

در صفحه ۱۲ بخوانید...

- آرزو دارم قانون برای همه یکسان باشد | سروا به بخشایزاده
- آموزش عملی | حسین امینی
- مثل یک سنگ سرد شده ایم | مهیا ابهری
- ...

دوستی و تعامل

این شعری که به محضر مخاطبان ارابه می شود، در ادبیات فارسی و زبان شاعران ماسراسر باره نظر گرفته شده است در تعبیر آن نیز نکات بسیار مهمی از منظر شاعران ایرانی بیان شده و افراد کثرتانی...



نجات از ناگامی و درماندگی

اگر فرد با جامعه دچار ناگامی های مکرر شود، کم کم به یک انزوی در افراد ایجاد می شود که به آن درماندگی آموخته شده می گویند. این درماندگی آموخته شده مصداق وضعیت است که فرد در تلاشی که می کند به ناگامی ختم می شود یا فرد به اصطلاح به در بسته می خورد...



بحث هایی پیرامون مدیریت فردی و اجتماعی بحران

خطای نجات یافتگان



اشاره

تبعات شکست

انسان در مواجهه با ناگامی ۵ مرحله از: سسر می گذراند، انکار، فرافکنی، پرخاشگری، افسردگی و پذیرش، ۵ مرحله ای هستند که باید طی شود تا یک بحران حل شده و فرد به زندگی دوباره برگردد. بحران ها یا به تعبیر دیگر شکست ها ادامه داشته اند یک درماندگی خود آموخته در فرد وجود می آورد که به گفته امیرحسین جلالی (روانپزشک) به فرد حالت انقبالی می دهد و او را از انجام تمام امور باز می دارد. این بحران ها یک نقطه جوش به حساب می آید و باید هر چه سریع تر برطرف شود چرا که تداوم آنها می تواند تأثیرات زیادی در زندگی افراد بگذارد.

بحران های فردی اگر به درستی درمان نشوند، جامعه را با یک بحران اجتماعی روبرو می کند که بی مسئولیتی و از آرزو بودن افراد جامعه از مهم ترین خصوصیات آن است.

تغییرات زیادی که در این چندسال اخیر بر سر اقتصاد و وضع زندگی افراد آمده، جامعه را با یک وضع ویژه روبرو کرده و باعث به وجود آمدن دردی مشترک بین همه مردم شده است.

یادداشت

کارکرد ستاد بحران های اجتماعی

یک فرد بسیار که نیاز به مراقبت داشت ممکن بود همه توجه ها را به سمت خود جلب کند و در این میان نیازهای روحی بیچه خانواده درک نشود. همچنین زنی که با یک بیمار در زندگی خود مواجه می شد باید با بی گسرت که از نظر روحی چطور با بیمار خود برخورد کند که هم فرد بیمار را دچار عارضه های بیشتر نکند، هم از طرف خود خوش دچار مشکلات روحی نشود. تعلمی این پوشش ها باید از طرف ستاد های بحران انجام می شد تا شدت تبعات بحران ها کم کند اما وضع جایزین بعد از جنگ تحمیلی که نمونه بارز یک بحران اجتماعی بود به طور شایسته مدیریت نشد. نمونه دیگری از بحران های اجتماعی که اتفاقا جامعه ما با آن زیاد برخورد کرده است مسأله زلزله است. سازمان هایی که بعنوان حامی افراد زلزله شده شناخته می شوند نباید تنها به این موضوع اکتفا کنند که نیازهای اولیه این افراد را جبران کنند. آنها بیشتر از نیازهای اولیه به روحیه و کمک مددکاران اجتماعی نیاز دارند که در این مورد به صورت جدی اقدام کرده اند. فرد شکست خورده ای دایمی تبدیل می شود و تمام افراد بحران با شکست برای افراد شناخته شده خانواده معمولاً بهترین نتیجه آن افراد که نتایج آن برای افراد که امنیت روانی اجتماعی و اقتصادی دریافت می کنند و حتی با شکست های بحران های اجتماعی برای تأمین نیازهای اولیه نیستند بلکه باید کمک های آنها تسخیر شده باشد.

حتی باید خانواده را در بحران های مختلف قرار دهند. در بسیاری از بحران های اجتماعی مانند سرقت خیسبی، مرگ، زلزله و کودکان آسیب دیده اما پوشش اجتماعی مناسب برای آنها در نظر گرفته شد. خصوصاً در حق زنان احقاق شد چرا که کمتر کسی آنها را بعنوان عزیزان چنگی و سرپرست خانواده می شناخت. بر برخی خانواده ها نهاد آمدن بسیار میسر از مقوله می شود که طی این سال ها به حال خود رها شدند و در معرض بی اعتمادی افراد آسیب دیده از بحران روحی می ایستد. مددکارانی داشته باشند که با خانواده های آنها در تماس باشند و رفتارهای اجتماعی افراد آسیب دیده را رصد کنند. این کار باید به طور جدی درون خانواده انجام می شد چرا که ممکن بود تبعات دیگری هم داشته باشد. مثلاً این که



نیره توکلی
جامعه‌شناس

وقتی ناراحتی های افراد به دلیل مشکلات شخصی و درونی نباشند یک بحران اجتماعی شکل می گیرد که باید برای آن چاره اندیشید. ریشه های این بحران معمولاً درون جامعه است و معمولاً علاوه بر مشکلات، رویدادهای اجتماعی، رویدادهای اقتصادی و جنگ هستند. برخی تحولات اجتماعی باعث جابه جایی های می شود و بعضی از اقل جامعه را از دسترسی به حقوقی که انتظار داشتند محروم می کند. این بحران ها گاهی کسانی را دارای امتیازاتی می کند که به نظر دیگران آنها شایستگی لازم برای به دست آوردن این امتیازات را ندارند. همین ناشستن صلاحیت های فردی و تحصیلی به امتیازاتی خاص موجب سرخوردگی می شود. دیگر در جامعه می شود به عنوان مثال دیدن های خاص مانند جنگ تمدن زدایی از خانواده ها در جامعه دچار بحران کرده است. شاخص ترین آن خانواده شهید، مجروحان، جلیبران و کسانی بودند که دچار عارضه های بعد از جنگ شدند. اما طی تمامی سال های که از جنگ گذشته به اندازه کافی کوشش های اجتماعی برای

شکست دادن شکست
اجتناب دلیبر از نشان دادن احساسی

اینده کردن، اینده های که تضمینی برای آمدن نیست غیر منطقی است. دلیل دیگری که در مواجهه با شکست باعث سرخوردگی می شود، هدف گذاری نادرست است. گاهی اهدافی که برای خود طراحی می کنیم با انتظاراتی که برای خود داریم ناهماهنگ است. تفاوت های فردی وجود دارد. یکی باهوش است و دیگری باهوش تر. یکی در موسیقی استعداد دارد و دیگری در فوئسال مهارت های گامی یکی خوب است و مهارت های عملی دیگری، به قولی هر کسی را به کار گزینی ساختند اما وقتی بخواهیم دلیلی دیگر، روح فرهنگ موفقیت در جامعه است. وقتی موفقیت ارزش محسوب شد دیگر مهم نیست که از چه طریقی حاصل شده است. کسی که پول، خودرو خارجی، خانه عالی شهر، لباس سال کددار، موبایل و تبلت، تحصیلات تکمیلی و... دارد اما در ارزشمندی در نظر گرفته می شود و نحوه تحصیل آن به حاشیه می رود. این جاست که برخی هم به دنبال گرفتن مدرک می شود و نحوه تحصیل آن به حاشیه می رود. فرهنگ ایرانی - اسلامی به موفقیت و برآیند فرهنگ ایرانی - اسلامی تکلیف داریم به تکلف افراد ایرانی. پس به موفقیت به تکلف و سستی نمی اندیشد. حال خوب با آینده عالی مخالف است. حال فردی

تکلیف داریم به تکلف افراد ایرانی. پس به موفقیت به تکلف و سستی نمی اندیشد. حال خوب با آینده عالی مخالف است. حال فردی

فرد آسیب دیده دیده به لحاظ روحی می ایستد مدد کارانی داشته باشند که خانواده های آنها در تماس باشند و رفتارهای اجتماعی افراد آسیب دیده را رصد کنند. این کار باید به طور جدی درون خانواده انجام می شد چرا که ممکن بود تبعات دیگری هم داشته باشد. مثلاً این که

دختران فراری در جامعه امروز به دلیل از پند پسندیدگی خانواده ها است که کم کم به بحران اجتماعی تبدیل شده است. خوشبختانه، دستگاه های ملی، یکبارگی با اضافه کردن سرویس هایی که وجود دارد همچون فرار از بحران و زجر و روبرو می کند. در صورتی که کارهای اجتماعی می تواند امیوول بود که از بحران ها جلوگیری کند و جامعه به سمت امید پیش رود.